

مجتبی شکوری گفت در کودکی مورد تعرض جنسی قرار گرفته است

حرکتی بزرگ در مقابل سکوت همگانی

مجتبی شکوری به سروش صحت گفت در هفت سالگی مورد تعرض جنسی قرار گرفته، این اعتراف در جامعه‌ای که صحبت درباره آزار جنسی کودکان اغلب با سکوت یا انکار همراه است و یا به حفظ آبرو می‌انجامد، اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد.



شکوری حال به عنوان چهره‌ای فرهنگی که همواره درباره‌ی رشد فردی، معنا و سلامت روان سخن گفته، با این اعتراف مرزهای گفت‌وگو را جابه‌جا کرد

پلیسی، روان‌شناسی، حمایتی) آماده‌اند و روند کند؟ آیا قانون‌گذاری، ساختار حقوقی، و سیستم حمایتی در کشور برای رسیدگی به ادعاهای آزار جنسی کودکان مناسب‌است؟ از همه مهمتر آموزش عمومی، به ویژه در مدارس، نقش تزریق آگاهی، واکنش مناسب و پیشگیری را دارد. اعتراف مجتبی شکوری، نه یک افشاشگری شخصی، بلکه حرکتی فرهنگی و درمانگر است. او با شکستن تابویی کهنه و قدیمی، راهی را گشود که پیش‌تر در فرهنگ ایران کمتر پیموده شده بود. در جهانی که سکوت، همدست خشونت است، گفتن حقیقت می‌تواند شکلی از مقاومت باشد. همان‌طور که اپرا وینفیری گفته بود: «شجاعت یعنی اینکه درد را به صدا تبدیل کنیم.»

سکوت، همدست خشونت است

انتشار چنین اعترافی در فضای رسانه‌ای می‌تواند هم واکنش مثبت (همدلی، پشتیبانی) و هم واکنش منفی (تردید، نفی، حمله) برانگیزد. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش حیاتی دارند: چگونه این خبر منتشر شود، لحن گزارش چیست، آیا دست به قضاوت می‌زند یا به فهم کمک می‌کند؟ در روزگاری که بسیاری از مسائل انسانی هنوز در حاشیه‌ی گفت‌وگوی عمومی باقی مانده‌اند، سخن گفتن از زخم‌های شخصی می‌تواند عملی شجاعانه و اثرگذار باشد. این اعتراف، هرچند در ظاهر یک روایت شخصی است، اما در بطن خود حامل پرسش‌هایی ژرف درباره‌ی سکوت، تابو، جامعه و مسئولیت جمعی در برابر رنج پنهان است. این پرسش‌ها مطرح است: چه نهادهایی (قضایی،

تغییر داد و به نقطه‌ای تاریخی در جنبش حمایت از قربانیان تبدیل شد.

وقتی شخص شناخته شده‌ای چون مجتبی شکوری از تجربه خود سخن می‌گوید، عملاً آن تابو را به چالش می‌کشد و مسیر «صحبت کردن» درباره این موضوع حساس را باز می‌کند. اهمیت این تابوشکنی در آن است که از زبان فردی بیان می‌شود که سال‌ها در حوزه‌ی آموزش عمومی فعالیت کرده و اکنون خود به بخشی از روایت جمعی رنج بدل می‌شود.

بیان شخصی، به ویژه توسط افراد شناخته شده، می‌تواند در دو سطح عمل کند: اول، تأیید این مهم که قربانیان تنها نیستند؛ دوم، تحریک جامعه به گفت‌وگو و پذیرش بیشتر. این عمل به معنی تجویز راه حل نیست، بلکه باز کردن پنجره‌ای برای همدلی، آموزش و فرهنگ‌سازی است.

در گفتگو اخیر سروش صحت با مجتبی شکوری در برنامه اکنون، شکوری اعلام کرد که در هفت‌سالگی مورد تعرض جنسی قرار گرفته است. این اعتراف، در جامعه‌ای که صحبت درباره آزار جنسی کودکان اغلب با سکوت یا انکار همراه است، اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد و به نوعی تابو شکنی است.

عصر ایران نوشت: البته نمونه‌های مشابهی هم قبلاً وجود دارد که به دلیل مطرح شدن اسم شخص و یا اشخاص متقابل و عموماً جنس‌های مخالف، بیشتر به حاشیه رفته و به یک دعای حقوقی تبدیل شده است، اما شکوری در بستر دیگری به این واقعه پرداخت که در ویدئو هم به آن اشاره می‌کند.

حفظ آبرو و سکوت همگانی

ترس از قضاوت، بی‌اعتمادی به نهادهای حمایتی، شرم خانوادگی و باورهای نادرست درباره‌ی «حفظ آبرو» باعث می‌شود قربانیان سال‌ها ـ و گاه تا پایان عمر ـ از گفتن آنچه بر آنها رفته است، باز بمانند. این اعتراف را می‌توان نقطه عطفی دانست در معادله «سکوت اجتماعی» و نمایش عمومی تجربه شخصی قربانیان. مجتبی شکوری که به واسطه خوب حرف زدن در برنامه کتاب باز معروف شده بود قبلاً هم یک اعتراف دیگر کرده بود، او که پیش از این خود را جزو رتبه‌های برتر کنکور با رتبه ۴۸ معرفی می‌کرد، با انتشار ویدیویی اعتراف کرد که سهمیه‌ای بوده و بابت دروغی که به مردم گفته عذرخواهی کرد.

شکوری حال به عنوان چهره‌ای فرهنگی که همواره درباره‌ی رشد فردی، معنا و سلامت روان سخن گفته، با این اعتراف مرزهای گفت‌وگو را جابه‌جا کرد. او نه به قصد افشاشگری، بلکه با نگاهی انسانی از تجربه‌ای گفت که هزاران کودک و بزرگسال در سکوت با آن زندگی می‌کنند.

جرعه طوفانی اپرا وینفیری در دهه ۸۰ میلادی

در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، اپرا وینفیری ـ مجری و فعال رسانه‌ای مشهور آمریکایی ـ برای نخستین بار در تلویزیون ملی اعلام کرد که از ۹ تا ۱۴ سالگی مورد آزار جنسی اعضای خانواده قرار گرفته است.

در آن زمان، آمریکا هنوز گفت‌وگوی عمومی درباره‌ی آزار جنسی کودکان را تجربه نکرده بود. اما سخنان او جرعه‌ای بود برای آغاز موجی از آگاهی اجتماعی و تأسیس ده‌ها نهاد حمایتی در حوزه‌ی کودکان آسیب‌دیده.

وینفیری بعدها گفت: «وقتی حرف زدم، فهمیدم که تنها نیستم. سکوت، به زارگر قدرت می‌دهد.» بیان او مرز میان شرم و شجاعت را در فرهنگ عمومی آمریکا

برای روز جهانی کودک

تبلت به جای تپله!

اگر تا همین یکی دو دهه پیش صدای برخورد تپله‌ها موقع یک قلّ و دوقلّ بازی کردن یا طناب‌زدن در کوچه‌های محلات نشانه پررنگی کودک‌بود، امروز صفحه‌های روشن تبلت و موبایل جای آن را گرفته است. کودکی در ایران، همانند بسیاری از جوامع دیگر، مسیر تازهای را تجربه می‌کند؛ مسیری که از بازی‌های جمعی و پرشیاموی کوچه‌ها به سرگرمی‌های دیجیتال و درون‌خانه‌ای تبدیل شده است. این تغییر که حتی به فرهنگ عامه هم راه یافته، ساده به نظر می‌آید اما نشانه تحولی عمیق در شیوه زیست نسل‌ها است که به نظر می‌رسد لازم است هرچه زودتر فکری به حال آن کرد.

به گزارش ایسنا، تا همین چندسال قبل بیشتر کودکان در کوچه‌ها و خیابان‌های محلات بازی می‌کردند. تپله، لیلی، قاچ‌پاشک، طناب‌بازی و سرگرمی‌های دیگر، ابزار اصلی تفریح بودند. ویژگی مشترک این بازی‌ها جمعی بودن، نیاز به تعامل و شکل‌گیری حس رقابت بین بچه‌ها بود به نحوی که در نهایت کودکان در جریان همین بازی‌ها مهارت‌های اجتماعی و کار گروهی را یاد می‌گرفتند و تمرین می‌کردند. این وضعیت امروز تغییر کرده است. بخش زیادی از کودکان زمان فراغت خود را با تبلت، موبایل یا کنسول‌های بازی می‌گذرانند. بازی‌ها فردی یا در بهترین حالت آنلاین شده‌اند و تماس مستقیم کمتری میان بچه‌ها شکل می‌گیرد. حرکت بدنی، فعالیت در فضای باز و حضور در جمع دوستان کمتر شده و کودکی بیش از گذشته در فضای خانه‌ها محصور مانده است.

کوچه‌هایی خالی از کودکان

دوران کودکی پیش‌تر پیوند نزدیکی با فضای شهر داشت. کوچه‌ها و زمین‌های خالی به محلی برای بازی تبدیل می‌شدند و شهر با تمام محدودیت‌ها، ظرفیت حضور کودک را داشت. امروز اما ساختار شهری، به ویژه در کلان‌شهرها، کمتر با نیازهای کودک سازگار شده است. نبود فضای سبز کافی، آپارتمان‌نشینی وغدغه‌های امنیتی، امکان بازی در فضای عمومی را محدود کرده است. در نتیجه بخش مهمی از فرهنگ بازی و اجتماعی شدن کودکان از شهر حذف شده و به ابزارهای دیجیتال یا فضاهای بسته منتقل شده است.

از سوی دیگر در فرهنگ سنتی، خانواده و فامیل نقش پررنگی در شکل‌دهی به تجربه کودکی داشتند. شب‌نشینی‌ها، قصه‌گویی بزرگ‌ترها و بازی‌های خانوادگی، بخشی از حافظه مشترک نسل‌های قبل است که این روزها کمتر اثری از آن می‌بینیم. در جامعه امروز با محدودتر شدن روابط خانوادگی، سرگرمی‌های دیجیتال و رسانه‌ای جایگزین بخشی از تعاملات مستقیم بچه‌ها با یکدیگر، بزرگ‌ترها و محیط پیرامون شده‌اند. به این ترتیب، انتقال شفاهی فرهنگ و



قصه‌های عامه که زمانی بخشی از کودکی هر ایرانی بود، به حاشیه رفته است.

در چنین شرایطی بسیاری از آیین‌های کوچک خانوادگی که برای کودک نقش آموزشی و هویتی داشتند نیز کمرنگ شده‌اند. بازی‌های گروهی در مهمانی‌ها، شعرها و لایالیه‌های سنتی و حتی رسم قصه‌گویی شبانه، دیگر در زندگی روزمره کمتر تکرار می‌شود. جای آنها را بیشتر شعر و تولیدهای رسانه‌ای آماده مانند انیمیشن و ... گرفته است. کودک به جای شنیدن قصه‌های قدیمی، نسخه دیجیتالی کارتون را تماشا می‌کند. این جابه‌جایی هرچند تنوع سرگرمی را افزایش داده، اما پیوند کودک با فرهنگ و روایت‌های قدیمی را ضعیف‌تر کرده است.

ایسا و آنا جای رستم و آرش را گرفته‌اند!

بازتاب این تحولات در زبان و ادبیات نیز دیده می‌شود. از قصه‌های عامیانه تا شعرهای کودکانه، تصویری جمعی از کودکی شکل می‌داند. در دهه‌های اخیر، انیمیشن‌ها و محتوای ترجمه‌ای نقش پررنگی در فرهنگ کودک پیدا کرده‌اند. شخصیت‌هایی چون «السا و آنا» یا «دختر توت‌فرنگی» جایگزین بخشی از قهرمانان محلی و افسانه‌های بومی شده‌اند. گرچه این جهانی شدن دسترسی به سرگرمی‌های متنوع را فراهم کرده، اما در عین حال مرزهای فرهنگ بومی کودک را کمرنگ‌تر کرده است.

از سوی دیگر، وابستگی شدید به تولیدات وارداتی پرسش تازه‌ای را پیش روی فرهنگ عمومی قرار داده است؛ آیا نسل آینده کودکان ایران قهرمانان و افسانه‌های خود را خواهد ساخت یا تمام هویت فرهنگی آنها در قالب شخصیت‌های جهانی بازتعریف می‌شود؟ این پرسش ساده در واقع به یکی از جدی‌ترین چالش‌های فرهنگی امروز برمی‌گردد. کودک دیروز، قصه‌های محلی و قهرمانانی مثل پهلوانان شاهنامه یا شخصیت‌های افسانه‌ای قصه‌های عامیانه را

می‌شناخت؛ قصه‌هایی که هم سرگرم‌کننده و هم حامل ارزش‌ها و هویت فرهنگی ایران بودند. اما کودک امروز بیشتر با شخصیت‌های بزرگ می‌شود که محصول صنعت سرگرمی جهانی‌اند و در فرهنگی دیگر ساخته شده‌اند. شخصیت‌هایی مثل ایسا، باب‌اسفنجی یا مردعنکبوتی برای بسیاری از کودکان آشناتر از رستم و آرش یا حتی قصه‌های عامیانه محلی هستند.

چالش‌های پرورش قهرمانان وارداتی

این تغییر به معنای تغییر الگوهای ذهنی کودکان است. قهرمانان جهانی معمولاً در بستر فرهنگی خاص خودشان ساخته شده‌اند؛ ارزش‌ها، نوع روابط اجتماعی و حتی سبک زندگی آن‌ها ریشه در جامعه‌ای دارد که با جامعه ایران تفاوت‌های جدی دارد. وقتی کودک ایرانی با این شخصیت‌ها همدل‌اندازی می‌کند، بخش مهمی از جهان‌بینی او نیز تحت تأثیر همان الگوها شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، نبود تولیدات بومی جذاب برای کودکان ایران وابستگی را تشدید کرده است. در حالی که صنعت انیمیشن و ادبیات کودک در کشورها پیشرفته به شکل جدی روی شخصیت‌سازی و بازاریابی افسانه‌ها و قصه‌های ملی کار می‌کنند، در ایران این روند به کندی پیش رفته است. نتیجه آن است که کودک ایرانی کمتر فرصت دارد با قهرمانانی آشنا شود که ریشه در فرهنگ و تاریخ خودش دارند. به همین دلیل، مسئله فقط سرگرمی یا انتخاب انیمیشن و بازی نیست بلکه پای هویت فرهنگی در میان است. اگر امروز برای بازاریابی و تقویت قصه‌ها، افسانه‌ها و شخصیت‌های بومی کاری نکنیم، ممکن است نسل آینده تنها با دنیایی بزرگ شود که هیچ ردپایی از فرهنگ خودش در آن وجود ندارد.

یکی دیگر از تغییرات اساسی، ورود فرهنگ مصرف‌گرای به زندگی کودکان است. اگر زمانی تپله یا بادباز با کمترین هزینه ساخته و استفاده می‌شد، امروز داشتن تبلت، گوشی هوشمند یا اسباب‌بازی‌های ویژند (برند) به بخشی از هویت کودکانه تبدیل شده است. این تغییر تنها جنبه اقتصادی ندارد، بلکه نشان دهنده تغییر ارزش‌ها در فرهنگ عمومی است.

تحول از تپله تا تبلت پرسشی جدی پیش روی ما قرار می‌دهد: آیا کودکی در معنای جمعی آن در حال کمرنگ شدن است؟ آیا نسل‌های آینده تحصیلی در انزوا و دنیای دیجیتال رشد می‌کنند یا راهی برای تکرار تجربه‌های جمعی وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند تغییر در آموزش و حتی رسانه‌های مرتبط با کودک است. اگرچه فناوری اجتناب‌ناپذیر است، اما می‌توان آن را با تولید محتوای ایرانی جذاب به فرصت تبدیل کرد.

رکورددشکنی «پیرپسر»

عبور از دو میلیون مخاطب و ۱۸۰میلیارد تومان فروش



فیلم سینمایی «پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی توانست از مرز دو میلیون بیننده عبور کند و به یکی از پُر مخاطب‌ترین فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران تبدیل شود.

فیلم سینمایی «پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی توانست از مرز دو میلیون بیننده عبور کند و به یکی از پُر مخاطب‌ترین فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران تبدیل شود. این موفقیت، رکوردی که قبلاً به فیلم «آینه» در زمان ۱۹۰ دقیقه است و نشان‌دهنده استقبال گسترده مخاطبان از مضمون اجتماعی ملتپ اثر است.

«پیرپسر» با بازی حامد بهداد، لیلا حاتمی، حسن پورشیرازی، محمد ولی‌زادگان و محمدرضا داوودنژاد توانسته قشرهای مختلف تماشاگران را جذب کند و در برخی از پردیس‌های سینمایی حتی به صورت شبانه‌روزی اکران شود تا مخاطبان بیشتری بتوانند آن را ببینند.

علاوه بر رکورد تماشاگر، پیرپسر با فروش حدود ۱۸۰ میلیارد تومان، پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی تاریخ سینمای ایران نیز لقب گرفته است.

در دهه گذشته، تنها دو فیلم اجتماعی موفق شده بودند از مرز دو میلیون بیننده عبور کنند: «متری شش و نیم» ساخته سعید روستایی با حدود دو میلیون و سیصد هزار مخاطب، و «فروشنده» به کارگردانی اصغر فرهادی با حدود دو میلیون و دویست هزار بیننده. بدین ترتیب، «پیرپسر» سومین فیلم اجتماعی دهه اخیر است که چنین رکوردی را ثبت کرده است، حال باید دید آیا این فیلم می‌تواند در ادامه اکران به رکورد مخاطبین آن دو فیلم برسد یا خیر.

صالحی امیری عازم بغداد می‌شود

افتتاح آرامگاه شمس تبریزی در مهر ماه سال آینده



وزیر میراث فرهنگی و گردشگری گفت: مهرماه سال آینده یعنی روز ۷ و ۸ مهر که روز مولانا و شمس هست آرامگاه شمس تبریزی توسط طراحان به نام طراحی شده افتتاح خواهد شد و شاهد خواهیم بود که خوی هم مانند قوئیه به محلی برای علاقمندان به شمس و مولانا تبدیل خواهد شد.

به گزارش ایثنا، سیدرضا صالحی امیری در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران عنوان کرد: آرامگاه شمس تبریزی ۵۸ درصد پیشرفت داشته ۴۲ درصد باقی مانده ظرف کمتر از یکسال تکمیل می‌شود.

وی افزود: مهرماه سال آینده یعنی روز ۷ و ۸ مهر که روز مولانا و شمس هست این آرامگاه توسط طراحان به نام طراحی شده افتتاح خواهد شد و شاهد خواهیم بود که خوی هم مانند قوئیه به محلی برای علاقمندان به شمس و مولانا تبدیل خواهد شد.

وزیر میراث فرهنگی و گردشگری گفت: در حوزه گردشگری همین الان که با شما صحبت می‌کنم ۸۰ تن از جامعه هتل‌داران و آژانس‌ها در عراق هستند از بصره به صورت زمینی و شهرهای مختلف در بغداد حضور دارند ما جهت‌گیری جدیدی را در حوزه گردشگری با عراق آغاز کردیم این نقطه عطفی است.

وی گفت: ان‌شاءالله هدفگذاری کردیم که بتوانیم ۵ میلیون گردشگر از عراق داشته باشیم الان این عدد ۳ و نیم میلیون هست این پیشنهاد وزیر خارجه عراق بود. صالحی امیری با بیان اینکه در آینده نزدیک من هم عازم بغداد خواهم بود، گفت: در همین رابطه تقاضای نامه‌ای را با عراق امضا خواهیم کرد. الان عراقی‌ها در مشهد، اصفهان و شیراز و کیش و رشت و اکثر استان‌های ما حضور داند و یکی از حوزه‌های مورد توجه ما در حوزه گردشگری کشور همسایه ما عراق است.

در جشن تولد هنرمندان مهر ماه چه گذشت؟

شی‌با با طعم مدیریت هنرینها و حماسه‌سرایي («شیر خدا»



حاجیانپور، حسن زاهدی، جعفر خواج‌شیرانی، کریم‌عارفی، محمد صیادصبور، محمدچواد جدی، محمد مقدسی، محمدعلی گرجستانی، بیاض امیرعطایی، محمد حبیبی، میترا اعتضادی، علی پویان، محمود فرهنگ، بداله وفاداری، بهمن فروسی، عبدالله اسکندری، جهانبخش سلطانی، هراج مگردومیان، مهناز عبدالله‌خان گرجی و اکبر محمدی هنرمندان پیشکسوت متولد مهرماه حاضر در مراسم بودند.

و به جایگاه‌های موقتی وابسته نیست. هر حکومتی که به هنر توجه کرده، در تاریخ ماندگار شده است. هنر است که انسان و جامعه را جاودانه می‌سازد. خدمت بزرگ مؤسسه هنرمندان پیشکسوت نیز جلوگیری از فراموش شدن هنرمندان است و این برای جامعه‌ای که گاهی دچار فراموشی می‌شود، نعمتی ارزشمنداست.

وی در پایان افزود: جامعه‌ای که از پیشکسوتانش جدا شود، پیوندی با گذشته و فرهنگ اصیل خود نخواهد داشت. ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مفتخریم که خدمتگزار این فخر ارزشمند باشیم.

این مراسم با برش کیک تولد مشترک، عکس یادگاری هنرمندان و تجدید دیدار چهره‌های عرصه‌های مختلف هنر پایان یافت.

حماسه سرایی عباس شیرخدايي و آواز خواندن محمد گلرئز در خصوص جنگ تحميلي ۱۲ روزه از اتفاقات ویژه این آیین بود.

استادان آذر هاشمی ، خسرو روشن و عباس شیرخدا از متولدين فصل تابستان بودند که به علت عدم حضور در مراسم متولدين تابستان در این آیین از آنان تجلیل شد.

تجلیل از خانواده‌های هنرمندان آسمانی استادان رحیم عزت بقایی و اله‌وردی افراش از دیگر برنامه‌های این آیین بود.

بنابر اعلام روابطعمومی موسسه هنرمندان پیشکسوت استادان میلاد کبابی، بهیه‌خونیوسان، حسین ترابی، حبیب‌الهیاری، محمد گلرئز، علی کاوه، عیسی هاشمول، داود یاسری، سیاوش ظهیرالدینی، قربان ریوندی، احمد افشار، علی

مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوتان گفت: بودجه موسسه کم است و برای کاهش هزینه‌ها ناچار شدیم که هزینه‌ها را بیشتر مدیریت کنیم.

به گزارش ایسنا، طبق گزارش رسیده، آیین پاسداشت و تکریم هنرمندان پیشکسوت متولد مهرماه، شامگاه سه‌شنبه ۱۵ مهرماه در فضایی صمیمی در محل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت در حالی برگزار شد که حماسه‌سرایي عباس شیرخدايي و آواز خواندن محمد گلرئز در خصوص جنگ تحميلي ۱۲ روزه از اتفاقات ویژه این آیین بود.

این برنامه با حضور محمدمهدی احمدی ـ مشاور عالی وزیر و سرپرست معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس عظیمی ـ مدیرعامل موسسه، انسبه شاه‌حسینی و مهدی افضلی ـ اعضای هیات مدیره موسسه هنرمندان پیشکسوت و جمعی از هنرمندان پیشکسوت متولد مهرماه برگزار شد.

در این آیین که با حضور جمعی از هنرمندان، مسئولان فرهنگی و ... همراه بود، ضمن گرامیداشت زادروز پیشکسوتان متولد این ماه، از خدمات و تلاش‌های آن‌ها در عرصه‌های مختلف هنری تقدیر به عمل آمد.

سیدعباس عظیمی در ابتدای مراسم ضمن تبریک سالروز تولد هنرمندان حاضر گفت: خوشحالم که امشب در خدمت مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هستیم. ایشان از پیشکسوتان وزارتخانه هستند و ما از حضورشان خرسندیم.

وی ضمن عذرخواهی از هنرمندان به دلیل برگزاری مراسم در فضای کوچک